

# کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و اسناد گمشده!

انتشار داده‌اند و چهره‌های خیانتکار در کودتای ۱۳۳۲ همگی شناخته شده‌اند.

## گم شدن هزاران سند!

چند روز بعد، خبری منتشر شد که مضمون آن از این قرار است:

سازمان جاسوسی آمریکا، سیاه‌پوستان، ادعا کرد که پرونده‌های محرمانه مربوط به سرنگونی دولت ایرانی مصدق در سال ۱۹۵۳ را گم کرده یا از میان برده است.

رابرت کیتس و جیمز رولزی دو تن از مدیران سیا پیش از این متعهد شده بودند به عنوان بخشی از تعهدات خود به سازمان در خصوص افشای پرونده‌های محرمانه پس از گذشت چند سال، برای عموم مردم، پرونده‌های مربوطه ایران را بررسی و به محرمانه بودن آنها نیز پایان دهند. ناگفته نماند که اجرای این طرح به منظور شفافتر کردن کارهای این سازمان انجام گرفته است.

اما این دو مدبر غافل از این بودند که چیزی از پرونده‌های محرمانه مربوط به ایران باقی نمانده است تا بتوانند آنها را افشای سازند؛ زیرا معلوم شد که بیشتر پرونده‌های محرمانه‌ای که سازمان در این خصوص در اختیار داشت بنابه گفته سازمان به یکی از تاریخ نگاران آمریکایی بدر آغاز دهه شصت گم شده است. این تاریخ نگار آمریکایی که در سال ۱۹۹۲ به منظور اجرای همین طرح در سازمان سیاه خدمت گرفته شده بود و نگارش تاریخچه آن دوران را بر عهده داشت، می‌گوید: وقتی از سازمان خواستم که این پرونده‌ها را در اختیار من بگذارد، پاسخی که شنیدم این بود: همه این پرونده‌ها در آغاز دهه شصت از میان رفته است.

این تاریخ نگار آمریکایی که «نک کولتر» نام دارد، می‌افزاید: با توجه به اطلاعات به دست آمده سازمان جاسوسی آمریکا بیشتر این پرونده‌های محرمانه را که بسیاری از حوادث مهم تاریخی را در بر می‌گرفت و به دوران جنگ سرد مربوط می‌شد، گم کرده است. از جمله این پرونده‌ها، پرونده‌های مربوط به اندونزی در دهه پنجاه، موفقیت‌های سیاه‌پوستان سرنگونی رژیم گینه و همچنین اقدامات سیاه‌پوستان در دهه پنجاه در ایران می‌باشد. بر این اساس، مسئول با یگانگی، اعتراف کرد: تمام پرونده‌های مربوط به ایران سال ۱۹۵۳، در دهه شصت یا گم شده و یا از میان برده شده است. وی می‌گوید: مسئولان با یگانگی محرمانه سازمان در دهه شصت به اطلاع مقامات سیاه‌پوستان که

ایران قرار نگرفت. برخی روزنامه‌ها آن را بی‌کم و کاست منتشر کردند، بدون آنکه بر آن تفسیری بنویسند و یا موضوع را پی‌گیری کنند. همان زمان «گزارش» کوشید نظر برخی شخصیت‌های معاصر این رویداد تاریخی را جویا شود؛ اما با حیرت متوجه شدیم آنان نیز به اهمیت این رویداد توجه نداشتند. از جمله وقتی موضوع را با آقای سرهنگ غلامرضا نجاتی نویسنده چند اثر معتبر درباره نهضت ملی شدن نفت و سقوط حکومت ملی دکتر مصدق در میان گذاشتیم از ایشان شنیدیم:



محرمانه آیت‌الله کاشانی

«روش بسایگانی و نیز انتشار اسناد محرمانه و طبقه بندی شده در کشورهای انگلستان و ایالات متحده آمریکا، با یکدیگر تفاوت دارد. انگلیسی‌ها به لحاظ قدمت سیاست استعماری در زمینه حفظ و بایگانی اسناد طبقه بندی شده، با توجه به موقع و مصالح خود هر چند سال یکبار (اخیراً سالی) بخشی از اسناد محرمانه و سری گذشته را منتشر می‌کنند... تا گفته نماند که در میان اسناد انتشار یافته، در مواردی نام فرد، یا افراد مورد بحث در سند سانسور شده است؛ برخی اوراق نیز، همچنان محرمانه و سری باقی مانده است.»

ایشان سپس شرحی در مورد چگونگی انتشار اسناد محرمانه CIA ارائه می‌دهد که حاکی است آمریکاییها تمامی اسناد مربوط به ایران در آن دوران را

آیا همه اسرار مربوط به کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ فاش شده است؟ آیا تمامی بازیگران پشت صحنه این رویداد تأسف‌بار تاریخ معاصر ایران شناخته شده‌اند؟ آیا ما از همه جزئیات کردار و دسیسه‌چینی‌ها، دو دوزه بازی‌ها و تفرقه افکنی‌های مهره‌های شناخته شده وابسته به دربار و سرسپرده به بیگانگان آگاهی داریم؟ آیا بوقوع علت یا علل ایجاد اختلاف بین دکتر محمد مصدق و آیت‌الله کاشانی همان‌هایی است که تا کنون تاریخ‌نویسان و شاهدان عینی رویدادهای سال ۱۳۳۲ نوشته‌اند؟ آیا داستان آن کودتا تا همین قرار است که کرومیت روزولت (مأمور CIA) با همکاری مأمورین انگلیسی، بدنه‌ای از ارتش و اوباشی چون شعبان جعفری را برانگیختند تا حکومت ملی دکتر محمد مصدق را ساقط کنند؟ و...؟ یک فسرده علاقمند وقتی کتاب‌هایی را که تاریخ‌نگاران و پژوهشگران درباره این رویداد نوشته‌اند می‌خواند، با برخی تضادگونی‌ها مواجه می‌شود، و یا پرسش‌هایی بی‌پاسخی را در مقابل خود می‌بیند.

نویسندگان مهم‌ترین آثار در این باره، برای نگارش اثر خود یا به مشاهدات و شنیده‌ها و خاطرات شخصی خود استناد کرده‌اند، یا به اسناد منتشر شده از سوی وزارت خارجه انگلیس و سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده آمریکا، آثار برخی از این نویسندگان و پژوهشگران نیز مجموعه‌ای است از مشاهدات و شنیده‌های شخصی ایشان و اسناد محرمانه، اما منتشر شده منابع فوق.

اگر فرض را بر این بگیریم که وزارت خارجه انگلیس و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) تمامی اسناد مربوط به دخالت خود در این رویداد را منتشر کرده‌اند، می‌توان پذیرفت که تمامی زوایای موضوع آشکار شده و ایجاد شبهه تضاد در نوشته‌ها و یا مطرح شدن برخی پرسش‌ها در اذهان، ناشی از وسوسه بیش از حد است. اما از کجا معلوم که وزارت خارجه انگلیس و CIA همه اسناد خود را منتشر کرده باشند؟

اواخر تیرماه سال جاری خبری منتشر شد مبنی بر این که اسناد CIA در رابطه با کودتای ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) خورشیدی در ایران «گم» شده است! خبر چنانکه باید و شاید مورد توجه رسانه‌های

محفل نگهداری پرونده‌ها پر است و جایی برای پرونده‌های جدید نمانده است و این چیزی بود که باعث شد تا اداره حفظ پرونده‌های محرمانه، دستور دهد که پرونده‌های مربوط به عملیات در ایران، از بین برده شود.

تاریخ نگار مذکور می‌گوید: من فقط ۲۵ تا ۵۰ صفحه از این پرونده‌ها را توانستم به دست آورم. در حالی که آنها با توجه به پرونده‌های این سازمان، هزاران صفحه بوده‌اند. (سلام) (۷۶/۵/۴)

واقعیت دو حالت بیشتر ندارد: یا این که آمریکایی‌ها چنین اسناد مهمی را باز دیگر محرمانه کرده‌اند و یا چنانکه اشخاص فوق‌الذکر گفته‌اند، آنها را از بین برده‌اند.

ما می‌دانیم در دهه ۶۰ و حتی ۵۰ قرن میلادی جاری، آمریکاییان امکان تهیه میکرو فیلم از اسناد را در اختیار داشته‌اند. لذا اگر هم بواقع با مشکل کمبود جا مواجه شده‌اند، می‌توانسته‌اند از آنها میکرو فیلم تهیه کنند و هزاران پرونده را در حد یک کمد معمولی کوچک سازند.

با عذر غیر قابل قبولی مواجه هستیم که به ما حق می‌دهد در صحت این ادعا تردید کنیم. همین تردید موجب می‌شود بپذیریم تمامی

حقایق مربوط به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که خیزش قهرمانانه ملت ایران را با ناکامی مواجه کرد، هنوز بر ملا نشده است. این تردید وقتی جدی‌تر می‌شود که آن را در کنار این سخن آقای سرهنگ نجانی قرار دهیم که «... ناگفته نماند که در میان اسناد انتشار یافته، در مواردی نام فرد، یا افراد مورد بحث در سند سانوسور شده، برخی اوراق نیز، همچنان محرمانه باقی مانده است»

ما می‌بینیم که هنوز طرفداران آیت‌الله کاشانی دکتر مصدق را به عدول از هدفهای نهضت متهم می‌کنند و مقابلاً طرفداران مصدق آیت‌الله کاشانی را مسئول ایجاد شکاف در صفوف مبارزان نهضت می‌دانند. استمرار این اختلاف، تداعی کننده شعار معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» است! بیاینم یک فرض ساده را طرح کنیم:

شخصی، یا جریانی، سند یا نامه‌ای جعلی، اما حساب شده و با تقلید دقیق خط آیت‌الله کاشانی را به دکتر محمد مصدق نشان می‌دهد و تخم بدبینی را در ذهن او می‌کارد، یا بعکس، مشابه چنین اقدامی را علیه مصدق، نزد آیت‌الله کاشانی انجام می‌دهند. اگر چنین حالتی مصداق داشته باشد، طبعاً سازمان دهند، با سازمان‌دهندگان چنین توطئه‌ای باید از افراد نزدیک و معتمد طرفین باشند.

البته این فقط یک فرضیه است. ولی بواقع



دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی شدن نفت

نمی‌توان پذیرفت ما به دلیل واقعی اختلاف نظر بین آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق و ایجاد شکاف در نهضت که اجازه داد بدنه‌ای از ارتش و مثنی اوباش دولتی را که تا چند ماه قبل از اقتداری حیرت‌برانگیز برخوردار بود چنان ساده ساقط کنند و آرزوهای یک ملت را بریاد دهند، واقف شده‌ایم.

فرزانه‌ای گفته است: «گذشته چراغی است که راه آینده را روشن می‌کند... اگر ما رویدادهای گذشته را به درستی و خالی از تعصب درک کنیم، در آینده کمتر اشتباه خواهیم کرد.»

بنیاداریم وزارت خارجه انگلیس و CIA همه اسناد خود راجع به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را منتشر کرده‌اند و خان‌ها همان‌هایی هستند که نامشان در آن اسناد آمده است. نام‌های سانوسور شده و اسناد انتشار نیافته وزارت انگلیس و یا اسناد احتمالاً میکرو فیلم شده CIA می‌تواند زوایای تاریک آن رویداد را به پیش‌نما بیاورد و به ما نشان دهد چرا در نهضت شکاف افتاد، چه کسی یا چه کسانی زمینه‌ساز این شکاف بوده‌اند و عقاب ایشان اکنون در کجا بند و چه می‌کنند؟

نهضت ملی کردن نفت و خدمات دولت ملی دکتر محمد مصدق یکی از فصول درخشان تاریخ معاصر ایران است. این سرفصل را همواره باز نگه داریم.

به همین دلیل و به مناسبت سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲، مصاحبه‌ای را که با سرهنگ غلامرضا نجانی انجام داده‌ایم ذیلاً درج می‌کنیم. نکاتی که ایشان در مورد آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام ذکر کرده باور و برداشت خود ایشان است و به همان دلایلی که فوقاً ذکر شد، ما داوری نهانی را در این قبیل موارد منوط به زمانی می‌دانیم که اسناد گمشده! پیدا شود، و نام‌های سانوسور شده در اسناد وزارت خارجه انگلیس و نیز برخی اسناد که هنوز منتشر نشده‌اند، در معرض دید مورخان قرار گیرد.

●●●

گزارش‌ها با توجه به تحقیقات وسیع و تألیفات متعددی که پیرامون تاریخ معاصر دارید، به ویژه در سالهای فاصل بین سقوط رژیم شاه و دوران مبارزه ضد استعماری ملت ایران برای ملی کردن صنعت نفت، حکومت مصدق، کودتای انگلیسی-آمریکایی و سالهای بعد تا پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ و نیز به مناسبت سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، برای آگاهی بیشتر مردم ایران بخصوص نسل جوان توضیح مختصری درباره علل و عواملی که موجبات سقوط دولت ملی مصدق و

پیروزی کودتای ۲۸ مرداد را فراهم ساخت ارائه دهید.

پاسخ این سوال مفصل است، و در این گفتگوی کوتاه نمی‌توان حق مطلب را ادا کرد، با این حال سعی می‌کنم توضیح مختصر و در عین حال کلی بدهم: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نخستین تجربه دولت ایالات متحده آمریکا، با شرکت دولت بریتانیا، به منظور براندازی یک دولت مجلی، از طریق طرح توطئه و توسل به زور با استفاده از همکاری عوامل داخلی و ایسته به انگلیس و آمریکا بود. پس از پیروزی کودتا در ایران، آمریکایی‌ها، کودتاهای دیگری در کواتمالا (در سال ۱۹۵۴) و شیلی (در سال ۱۹۷۳) تدارک دیدند و حکومت‌های مردمی «آرینزو» و «سالوادور آلنده» را ساقط کردند.

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران در اسفند ماه ۱۳۲۹ و نخست‌وزیری مصدق موجب درگیری دولت، با شرکت نفت انگلیس و ایران گردید. انگلیسی‌ها که نمی‌خواستند اصل ملی شدن را بطور کامل بپذیرند، نخست از راه مذاکره، به منظور رسیدن به یک راه حل «مطلوب» و مورد نظر خود دو هیأت مخصوص را با پیشنهاد شناسائی «نوعی ملی شدن» به تهران فرستادند و چون پس از چند نوبت مذاکره، با وساطت آمریکایی‌ها به نتیجه نرسیدند، درصدد برآمدند به روز متوسل شوند و با استفاده از نیروهای

زمینی، هوایی و دریایی بندر آبادان و بخش‌هایی از خوزستان را اشغال کنند، ولی ترومن، رئیس جمهور آمریکا، که احتمال مداخله شوروی‌ها را پیش‌بینی کرده بود، آنها را از این اقدام خطرناک برحذر داشت. سپس انگلیسی‌ها کوشیدند با انجام یک سلسله عملیات پنهانی در داخل ایران دولت مصدق را تضعیف و ساقط کنند. بدین منظور «راین زینر» را با سابقه ماجراجویی و طرح عملیات مخفی، که در دانشگاه آکسفورد خدمت می‌کرد، به تهران فرستادند تا با دیگر عوامل سازمان جاسوسی MI-6 فعالیت علیه دولت

مصدق را با همکاری مخالفان نخست وزیر هماهنگ کنند. (۱)

مخالفان داخلی دولت مصدق، عموماً از نخبگان سیاسی سنتی بودند، بیشتر آنها مستقیم یا غیرمستقیم با سفارتخانه‌های انگلیس و آمریکا ارتباط داشتند. پاره‌ای فرصت‌طلب، و نیز کسانی که منافع خود را با ادامه زمامداری مصدق در مخاطره می‌دیدند، به جرگه مخالفان پیوستند. شماری از مدیران، یا صاحبان روزنامه‌ها نیز با برخورداری از حمایت مالی سفارت انگلیس در تهران، جزء این گروه بودند.

دربار نیز، همگام با انگلیسی‌ها، علیه مصدق فعالیت می‌کرد. اما شخص محمدرضا شاه، جرئت رویارویی با مصدق را نداشت. محبوبیت نخست‌وزیر و پشتیبانی گسترده مردم از او، به عنوان رهبر نهضت ملی، تلاش مخالفان را که حزب توده و جمعیت فدائیان اسلام از آن جمله بودند، خنثی می‌کرد. شماری از نمایندگان مجلس شورای ملی و نیز اکثریت سناتورها، با مخالفان دولت و انگلیسی‌ها همکاری می‌کردند؛ جمال امامی خونی که در مجلس شانزدهم رهبری گروه اقلیت را به عهده داشت، با استفاده از شبکه‌های رابط، با اشرف بهلوی، خواهر شاه، تماس داشت و از طریق واسطه‌هایی مانند پطروس آبکار و ابوالقاسم فولادوند، با سفارت انگلیس مربوط بود. (۲) تلاش پشت صحنه اقلیت در مجلس شورای ملی، با نطق‌های قبل از دستور؛ ممانعت از به حدنصاب رسیدن تعداد نمایندگان برای رسمیت یافتن جلسات انتقاد و حمله به دولت و متهم ساختن مصدق به ائتلاف با حزب توده و کمونیست‌ها، شکل می‌گرفت.

دکتر شیخ‌هادی طاهری- سید حسن فرهودی- عبدالحسین نیک‌پور- حسن فکرم- دکتر عبدالحسین اعتبار- اسدالله علم- شیخ علی دشتی- دکتر سید حسن امامی (امام جمعه)- رضا حکمت (سردار فاخر)- جواد امامی (ظهیرالاسلام) و علی سهیلی (سفیر ایران در

## ساده‌اندیشی سران جبهه ملی، غفلت از بسیج مردم و غفلت از نتایج مرگبار تک روی‌ها، خودخواهی‌ها و انحصارطلبی‌ها به پیروزی کودتاکنندگان کمک فراوان کرد.

لندن) در زمره مخالفان مصدق بودند. اینان تأکید داشتند که سفارت انگلیس باید قاطعانه به شاه توصیه کند، علیه مصدق وارد عمل شود. (۳)

شبکه «زئیر» از طریق برادران رشیدیان (اسدالله- سیف‌الله- قدرت‌الله) با نمایندگان مجلس، بازرگانان، افسران ارتش و چند تن علماء سرشناس ارتباط داشت. «ارنست پرون» دوست و مشاور شاه، نظریات و اطلاعات درباره‌ی او، به شبکه مربوط منتقل می‌کرد.

سید ضیاءالدین طباطبائی، دوست مستعهد، مشاور صمیمی و نامزد ایده‌آل انگلیسی‌ها، پس از سقوط مصدق بود. سناتورهایی چون یمین اسفندیاری- ابراهیم خواجه‌نوری و نمایندگانی مانند لطفعلی معدل شیرازی- منوچهر تیمورتاش و از دربار دکتر احمد هومین، هواخواه نخست‌وزیری سید ضیاء بودند. اما مشکل عمده نخست‌وزیری سیدضیاء سابقه وابستگی طولانی‌اش با انگلیسی‌ها و تسنرف مردم نسبت به او بود. محمدرضا شاه هم از اختلاف نظر وی با پدرش پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹، که منجر به تبعید «سید» گردید، ملاحظه داشت.

گزارش‌موضوع‌ونظر آمریکائی‌ها در مورد برکناری مصدق و نیز جانشین او چگونه بود؟

آمریکایی‌ها با نخست‌وزیری سیدضیاء موافق نبودند و شانس او را در حل مسأله نفت ناچیز ارزیابی می‌کردند، با اینحال در اوایل ژوئن ۱۹۵۲ (خرداد ۱۳۳۱) پس از ملاقات محرمانه‌ای که هندرسن سفیر آمریکا در تهران با احمد قوام (قوام السلطنه) بعمل آورد، او را شایسته‌ترین جانشین مصدق دانست. ساموئل فال رایزن سفارت انگلیس در تهران که به زبان فارسی تسلط داشت و به سود قوام فعالیت می‌کرد در گزارشی به وزارت خارجه انگلیس، درباره سقوط مصدق و جانشینی قوام گفته است «... قوام

تنها شخصیتی است که می‌تواند با اوضاع مقابله کند، ولی شاه او را نمی‌خواهد [...] تردید شاه در این دوره بحرانی، بسیار خطرناک است...» (۴)

جرج میدلتون کاردار سفارت انگلیس در تهران، در مورد جانشین مصدق، با نظریه «فال» موافق بود. وی مصدق را بیاستمداری هوشمند و کارداران و ناسیونالیست ضد انگلیسی ارزیابی کرده بود و اذعان داشت که از پشتیبانی وسیع مردم کشورش برخوردار



اجتماعی

است. با این همه امکان برکناری او را به شیوه قانونی ناممکن می‌دانست. (۵)

**گزارش‌ها ز رویدادهای پس از تشکیل مجلس هفدهم، استعفای مصدق و دور دوم نخست‌وزیری او بفرمائید.**

نتیجه انتخابات دوره هفدهم، به رغم پیروزی نامزدهای جبهه ملی و طرفداران آنها در تهران و شهرستان‌ها، برخلاف انتظار دکتر مصدق بود. در برخی از نقاط کشور به علت مداخلات فرماندهان نظامی، شماری از کاندیداهای دربار انتخاب شده بودند، شاخص‌ترین نمایندگان دربار، دکتر حسن امامی، امام جمعه تهران بود که از شهرگردش و سنی مذهب مهاباد، شهری که در تمام عمر خود به آن قدم نگذاشته بود، انتخاب شد.

در انتخابات رئیس مجلس، مبارزه پنهانی و علنی نمایندگان جبهه ملی و طرفداران آنها، با جناح مخالف بر سر کاندیدای دربار، که دکتر حسن امام بود، به اوج شدت رسید. سرانجام در دور دوم رأی‌گیری امامی، با ۳۹ رأی در برابر ۳۵ رأی دکتر معظمی، کاندیدای جبهه ملی برنده شد. در ۱۴ تیر دکتر مصدق طبق سنن پارلمانی استعفا کرد. روز بعد، در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی از ۶۵ تن نمایندگان حاضر ۵۲ تن به زمامداری مصدق رأی دادند.

روز ۲۵ تیر دکتر مصدق با شاه ملاقات کرد و ضمن معرفی اعضای کابینه، پست وزارت جنگ را خود به عهده گرفت و چون شاه نپذیرفت، عصر همان روز استعفا کرد. روز ۲۶ تیر مجلس شورای ملی در جلسه خصوصی که فقط ۴۲ تن از نمایندگان حضور داشتند، با ۴۰ رأی به زمامداری احمد قوام ابراز تمایل کردند. همان روز شاه فرمان نخست‌وزیری قوام السلطنه را صادر کرد.

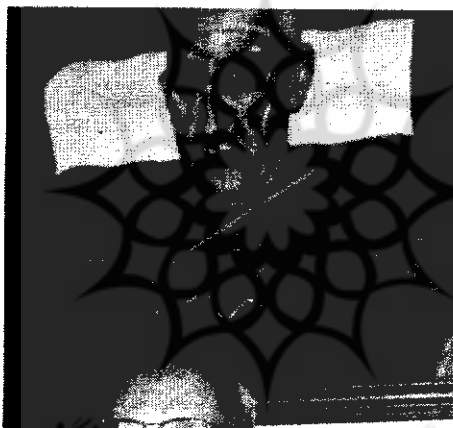
شرح رویدادهای روزهای ۲۷ تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و قیام خود جوش مردم در برابر توطئه برکناری مصدق و انتخاب قوام در چارچوب این بحث نمی‌گنجد (۶) مردم ایران در پاسخ به ندای نمایندگان فراکسیون جبهه ملی به خیابانها ریختند. اعتصاب، تظاهرات و درگیری و زد و خورد با نیروهای پلیس و سپس یگان‌های ارتش، به ویژه در روز ۳۰ تیر تلفات سنگینی بجای گذاشت. در تهران حدود ۸۰۰ تن کشته و زخمی شدند، شاه نگران از گستردگی مقاومت مردم، مقارن عصر آن روز دستور بازگشت نظامیان را به سربازخانه‌ها صادر کرد، قوام نیز با ناگزیر به استعفا گردید. بدین ترتیب قیام مردم ایران پیروز شد. عصر روز ۳۰ تیر مجلس شورای ملی با ۶۱ رأی از ۶۴ تن نمایندگان حاضر در جلسه، نسبت به نخست‌وزیری مصدق ابراز تمایل کرد. در اول مرداد نخست‌وزیر کابینه خود را که در آن پست وزارت جنگ را خود به

عهده داشت، به محمدرضا شاه معرفی کرد. پیروزی قیام سی‌ام تیر و شکست توطئه برکناری دولت ملی مصدق ثابت کرد که محاسبه انگلستان در براندازی دولت مصدق از طریق توطئه و تکنیک‌های پارلمانی اشتباه بوده است.

«سردونالد لگان» مقام بلند پایه سفارت انگلیس در تهران از قیام سی‌ام تیر به عنوان شکست بزرگ یاد کرده و گفته است «واکنش خلق در برابر برکناره‌گیری مصدق چنان عظیم بوده که قوام نتوانست دوام بیاورد. این یک شکست بزرگ بود...» (۷)

به قدرت رسیدن دوباره مصدق انگلیسی‌ها را سخت نگران ساخت و عقیده آنها را مبنی بر اینکه دیگر با او نمی‌توان از طریق مذاکره به توافق رسید راسخ‌تر کرد. از همان موقع در صدد ساقط کردن دولت او بوسیله کودتا برآمدند. جرج میدلتون کاردار سفارت انگلیس در گزارش به وزارت خارجه نوشت:

**«قدرت مصدق در نیروی عوام قریبی او نهفته است؛ این نیرو و یحدی است که می‌توسم برکناری او با شیوه‌های**



**سرهنگ نجابتی زیر تصویر نقاشی شده رهبر نهضت ملی**

عادی قانونی امکان نداشته باشد [...] به گمانم انگیزه اصلی او در حال حاضر، کینه تیزی با آمریکایی‌ها و ما می‌باشد. او در این راه، از هیچ کاری، حتی اتحاد با کمونیست‌ها، روگردان نیست. بنظر می‌رسد که تنه‌راه جلوگیری از سقوط ایران، کودتا است...» (۸)

**سرلشکر زاهدی به میدان می‌آید**

گزارش - طرح کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد چه موقع تهیه و تدارک شده بود؟ نقش آمریکایی‌ها در این مورد تا چه حد کارساز بود؟

- پاسخ به این سوال نیز مفصل است: دوره دوم زمامداری مصدق که از مرداد ۱۳۳۱ آغاز شد، سیزده ماه بطول انجامید. در این مدت دولت با انواع تحریکات، دسیسه و توطئه‌ها دست به گریبان بود در اوایل شهریور گروهی از افسران ارتش که به علت عدم صلاحیت بازنشسته شده بودند، به رهبری سرلشکر فضل‌الله زاهدی، ستانور انتصابی به مخالفان پیوستند و زاهدی با همکاری برادران رشیدیان با برخی عناصر ناراضی جبهه ملی، مانند مظفر یقانی - حسین مکی - ابوالحسن حائری زاده و آیت‌الله کاشانی، که پس از قیام ۳۰ تیر با دکتر مصدق اختلاف نظر پیدا کرده بود، ارتباط نزدیک برقرار کرد. (۹)

زاهدی مطلوب‌ترین نامزد انگلیسی‌ها برای هم‌آهنگ ساختن عملیات مخالفان دولت و نیز رهبری کودتا بود. گزارش سام فال، رایزن سفارت انگلیس در تهران در مورد شایستگی زاهدی برای رهبری عملیات علیه مصدق بر این شرح است:

«... در این کشور که مردانش ضعیف هستند، زاهدی نسبتاً قوی است، سخت‌ضمدمونیست است، در زمان جنگ جهانی دوم [توسط انگلیسی‌ها اسیر شده، و آلت دست انگلیسی‌ها شناخته می‌شود، روابط او با سران جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی دوستانه است]... شاید بتواند روی حمایت قسمت‌هایی از ارتش حساب کند...» (۱۰)

در مورد نظر آمریکایی‌ها نسبت به مصدق و نقش آنها در کودتا سوال کردید: در دوره حکومت دموکرات‌ها، مقامات آمریکا در آغاز با ملی شدن صنعت نفت، به نحوی که با منافع کمپانی‌های آمریکایی تعارض نداشته باشد و به عبارت دیگر «نوعی ملی شدن» مخالف نبودند و در مذاکراتی که با نخست‌وزیر ایران بعمل آوردند امیدوار بودند، اختلاف ایسران و انگلیس را در چارچوب نقطه‌نظرهای خود و کمپانی‌های صاحب امتیاز نفت انگلیسی و آمریکایی حل کنند. ولی این کوشش مقامات دولت آمریکا با اصل ملی شدن مغایر بود و دکتر مصدق اینگونه انحراف از قانون نه‌ماده‌ای ملی شدن و نفی حقوق و منافع ایران را نمی‌پذیرفت. پس از پیروزی ژنرال آیزنهاور در انتخابات ریاست جمهوری وینستون چرچیل نخست‌وزیر، دولت محافظه‌کار انگلستان با سوابق دوستی و همکاری در جنگ جهانی دوم، با رئیس‌جمهور جدید آمریکا او را متقاعد ساخت که سیاست دموکرات‌ها در زمینه حل مسأله نفت ایران به نتیجه مطلوب و مورد نظر لندن - واشنگتن نخواهد رسید و ادامه زمامداری مصدق بحران را تشدید خواهد کرد.

سرانجام در روز ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳ (۴ تیر ۱۳۳۲) آمریکایی‌ها با طرح کودتا، به رهبری کریمت روزولت



موافقت کردند. در اوایل مرداد، یک افسر نیروی هوایی از سوی CIA و یکی از مقامات MI6 به فرانسه رفتند و پیام روسای خود را به اشرف خواهر محمدرضا شاه که در تبعید بسر می برد تسلیم کردند، تا به برادرش ابلاغ کند. یک هفته بعد، ژنرال شواتسکف آمریکایی، مستشار سابق ژاندارمری ایران، برای ملاقات شاه و زاهدی و نیز هماهنگ کردن طرح اجرای کودتا به تهران اعزام گردید.

## سرهنگ نجاتی: انگلیسی ها مناسب ترین جانشین برای دکتر مصدق را سید ضیاءالدین طباطبائی می دانستند.

موفقیت دشمن در کودتای ۲۸ مرداد، بدون همکاری ایرانیانی که در خدمت سازمانهای جاسوسی انگلیس و آمریکا بودند، همچنین بدون مشارکت شاه و دربار، شماری از نجیبگان سیاسی، برخی از روحانی نماها و گروهی از افسران نیروهای مسلح امکان نداشت.

«مسانی-وودهوس» رهبر سازمان جاسوسی MI-6 بریتانیا که از طراحان اصلی کودتا بشمار می رفت، می گوید: «هر چند دلایل موجود نشان می دهد که کودتای اوت ۱۹۵۳ بوسیله گروههای انگلیسی-آمریکائی، طراحی و اجرا شد، ولی ما بجز بسیج نیروهائی که از پیش در ایران وجود داشتند، کاری انجام ندادیم...» (۱۳)

و سرانجام بار دیگر این حقیقت را تجربه کردیم که مردم وطن ما در طول مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری یک قرن اخیر و در مقابله با توطئه های بیگانگان، همواره «ضربه نهائی» را از دشمنان داخلی خورده اند...

پی نوشت ها

- ۱- برای اطلاع از چگونگی فعالیتهای سازمان جاسوسی بریتانیا در ایران، رجوع کنید به: دکتر مارک گازبوروسکی، «کودتای ۲۸ مرداد»، ترجمه غلامرضا نجاتی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۸، صفحات ۲۲-۱۸.
- ۲- نگاه کنید به: فخرالدین عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه هوشنگ مهدوی و بیژن نوردی، نشر البرز، ۱۳۷۲، صفحات ۳۵۹-۳۵۸. (با استناد به گزارش های سفارت انگلیس در تهران به وزارت

جرخ کودتا برای سقوط دولت مصدق به کار افتاده بود؛ طرح اجرایی کودتا به چهار نکته اساسی تأکید داشت: برپائی تبلیغات وسیع، که در آن مصدق به عنوان یک چهره مرموز (کمونیست نقابدار) معرفی شود؛ مخالفان دولت به ایجاد آشوب و ناامنی در سراسر کشور، تشویق گردند؛ شاه برای برکنار کردن مصدق و انتخاب زاهدی به جای او، زیر فشار قرار گیرد و برای جلب پشتیبانی گروهی از افسران ارتش از زاهدی، کوشش لازم بعمل آید.

نیمه شب ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ (۱۵ اوت ۱۹۵۳) کودتای انگلیسی-آمریکایی با شیخون به خانه مصدق نخست وزیر و دستگیری چند تن از وزیران آغاز شد، ولی در نتیجه اطلاع قبلی مصدق از طرح توطئه و هوشیاری و آمادگی گارد محافظ نخست وزیری به فرماندهی سرهنگ عزت الله ممتاز، سرهنگ نعمت الله نصیری، فرمانده گارد سلطنتی، که رهبری نظامی عملیات کودتا را به عهده داشت، دستگیر شد و کودتا شکست خورد. صبح روز ۲۵ مرداد محمدرضا شاه، با شتاب از کشور گریخت و به بغداد رفت.

شرح رویدادهای سه روز سرنوشت ساز ۲۵ تا ۲۷ مرداد و پیروزی کودتا خارج از بحث فعلی است (۱۲) در اینجا تنها این واقعیت را یادآور می شویم که شکست نهضت ملی ایران، نهضت و جنبشی که عمق و اوج گیری آن به ملل ستمدیده و استعمارزده آسیا و آفریقا، امید و دلگرمی بخشیده بود، استبداد و ارتجاع را رو در روی هم قرار داد؛ پشت امپریالیسم بریتانیای کبیر را به خاک کشانید و با خلع ید از شرکت سابق نفوذ پنجاه ساله آن نهاد استعماری را از میان برد، ناشی از غفلت و ساده اندیشی سران جنبه ملی؛ غفلت از بسیج و حفظ آمادگی هوشیارانه مردم؛ غفلت از نتایج مرگبار تکروی ها، خودخواهی ها، انحصارطلبی ها، و سرانجام غفلت از بدیهی ترین اصول رهبری در لحظات خطیر پیکار، در برابر دشمن شکست خورده، اما هوشیار و با طرح و برنامه بود.

از پیروزی و شکست نهضت ملی ایران و پیامدهای آن نیز، درس هایی آموختیم: آموختیم که

- خارجی
- ۳- بحران دموکراسی- صفحات ۳۶۱-۳۶۰
  - ۴- گزارش فال، ۲ ژوئیه ۱۹۵۲ - FO 248/1531
  - ۵- Brian Lipin, End of Empire, PP. 213 - 14
  - ۶- نگاه کنید به «جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتا...» توطئه برکناری مصدق، قیام ۳۰ تیر ۲۳۲ - ۲۱۳
  - ۷- پایان امپراطوری، صفحه ۲۱۴
  - ۸- گزارش میدلتون به وزارت خارجه بریتانیا، ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ - FO248/1531
  - ۹- گزارش فال: ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۲، FO248/1531

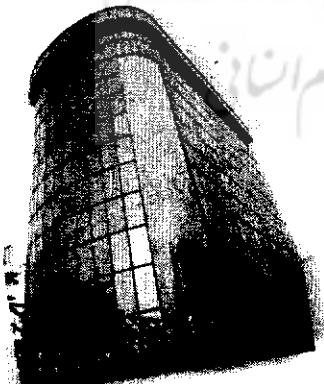
- ۱۰- گزارش فال، محرمانه، ۱۲ اوت ۱۹۵۱ - FO248/1531
- ۱۱- نفت، قدرت و اصول؛ تألیف مصطفی علم، ترجمه غلامحسین صالح پاره، صفحات ۴۶۶ و ۴۶۹
- ۱۲- برای آگاهی از رویدادهای سه روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد و پیروزی کودتای دوم (۲۸ مرداد) رجوع کنید به: جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتا... غلامرضا نجاتی یا کودتای ۲۸ مرداد، گزارش تحقیقی دکتر مارک گازبوروسکی، سه گزارش غلامرضا نجاتی، نفت، قدرت و اصول، مصطفی علم.
- ۱۳- Wood hous.C.M. Sumeting Ventured. P.130



شرکت سربان  
صنایع آلومینیوم در ساختمان

طراحی - تولید و اجرای نمای آلومینیومی در و پنجره سفید و رنگی سقف کاذب آلومینیومی (دامپا - تایل)

سربان اعتبار صنعت آلومینیوم کشور



تلفن: ۳-۶۰۳۵۲۴۲ / ۶۰۰۸۹۸۲ فاکس: ۶۰۱۲۹۲۹

اجتماعی